



مفاهیم اخلاقی فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در حکومت

نویسنده: اخلاقی هاگ Akhlaque Haque
ترجمہ و تلخیص: امیر مسعود صادق بیگی

فناوری

اطلاعات و ارتباطات (فوا) اکنون به ابزاری

در خدمت دولت‌ها بدل شده است. هر چه نقش فوا در

اجزای حکومت بیشتر و برجسته‌تر می‌شود، چالش‌های جدیدی

نیز در تصمیم‌گیری‌های دولت‌های مردمی پدید می‌آید. مثلاً کاربرد سیستم

اطلاعات جغرافیایی (Geographical Information System) (GIS) که مبنای بحث در

این مقاله است چگونه ارتباط پایبندی و هم‌ارز اخلاق و فناوری را در دولت‌های

دموکرات نشان می‌دهد. کارایی دولت‌ها، همانند دیگر اجزای جامعه، به طور

چشمگیری به کسب اطلاعات و استفاده از آن اطلاعات بستگی دارد و به طور منطقی

فناوری ساده‌ترین راه برای کنترل، ذخیره و ارسال این اطلاعات است. مشارکت مؤثر

یک شهروند در تصمیم‌گیری‌های جامعه خود درباره فوا به توانایی‌های او در درک

طبیعت و اصول حاکم بر آن بستگی دارد. در نتیجه نماینده‌های مردمی با مبارزه‌ای

دو بعدی مواجه می‌شوند: نخست، نیاز به فناوری اطلاعات و ارتباطات و

استفاده از آن برای کارآمد و کامل شدن. دوم، نیاز به فناوری

اطلاعات و ارتباطات و هم‌پایه کردن آن با ارزش‌های

دموکراسی برای استفاده بهینه از آن برای

شهروندان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جان کنت گالبریت (John Kenneth Galbraith) بیس از سه دهه پیش، گفته بود که کسی که اطلاعات را کنترل می کند، قدرت هم دارد. از این رو چون سازندگان و ترتیب دهندگان فاوا قدرت مند هستند، بحث درباره مفاهیم اخلاقی فناوری در خدمات عمومی نیز بسیار با اهمیت است. بنابراین پیوند اخلاق حرفه ای با فاوا و همچنین مفاهیم اخلاقی با فناوری روشی اصولی در حکومت های دموکرات است. این مقاله نیاز به درک عمیق تر نقش فناوری در حکومت و استانداردهای اخلاقی مرتبط با آن در انجام خدمات عمومی را بررسی می کند. مطالب ارائه شده به دو قسمت تقسیم شده اند:

۱. نقش فناوری در جامعه و سیستم های اطلاعاتی آن

۲. استفاده از GIS در حکم یکی از گسترده ترین فناوری های کاربردی در حکومت های منطقه ای و نمونه ای برای رابطه هم ارز اخلاق و فناوری در اداره ها و تشکل های مردمی

درک فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)

فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از ابزارهای مهم دولت ها در اداره حکومتشان است. در دهه ۱۹۸۰، دولت فدرال امریکا به درک درستی از نقش حیاتی رایانه ها در انجام وظایف اداری اجرایی خود رسید.

در سال ۱۹۸۳، ۴۱ درصد از بودجه دولت فدرال به منابع انسانی اختصاص یافته بود ولی با استفاده از فاوا پس از ده سال این مقدار به طور چشمگیری کاهش یافت و صرفه جویی فراوانی به همراه داشت. اکنون در دهه نخست قرن بیست و یکم فاوا چنان وسعت یافته است که اشتباهی کوچک در این فناوری می تواند منجر به زیان های جبران ناپذیری در اداره کشور شود. عملکردهای اجرایی جای خود را به سیستم های اطلاعاتی داده اند. و رابطه مستقیم تصمیم گیرندگان با تصمیم ها قطع شده است. امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نقشی کلیدی در جایگزینی یا سازمان دهی دوباره بوروکراسی اداری دارد. نگاهی دقیق به رابطه فاوا و جامعه، دورنمایی واقعی از نقش علم و قدرت در حکومت ها را نمایان می سازد.

به طور کلی اطلاعات حسی و ادراکی هستند از این رو در فرایند اطلاعاتی دسته بندی اعداد بسیار با اهمیت است. تازمانی که فاوا عنصر اصلی دادوستدهای اطلاعاتی است، اطلاعات و فاوا به طور ساختاری با هم متفاوت هستند. در واقع، فاوا ابزاری برای استفاده از اطلاعات است نه خود آن.

اطلاعات منجر به افزایش دانش می شود و دانش بیشتر در هر موضوعی باعث مهارت می گردد. هر چه اطلاعات از دسترس عوام دورتر شود، دانش نزد افرادی خاص که با تکیه بر این اطلاعات امتیازات فراوانی در جامعه به دست می آورند افزایش می یابد. کنترل ابزارهای تولید اطلاعات نیز، به دلیل آنکه آنها باعث قدرت و در نهایت کنترل دانش می شوند، روز به روز مهم تر می شود.

نمودار زیر رابطه خطی بین اعداد، اطلاعات، دانش و قدرت را نشان می دهد.



به طور خلاصه امروزه فاوانقشی محوری در ایجاد علم و دانش و توزیع مناسب آن میان مردم و مراکز عمومی دارد. از این رو این پرسش مطرح است که نقش مناسب فناوری در جامعه چیست و چگونه در برابر قدرت اجرایی مقاومت می کند. در روند پیچیده تولید علم و دانش، باید از ابتدا نقش فاوا به خوبی معلوم شود. تصور ذهنی اولیه از فاوا در هر کاری به ویژه در کارهای حکومتی و اجرایی به سهولت انجام فرایندها کمک می کند. فلسفه زیربنایی فناوری در جامعه و توجیح ها آن در کتاب پرسشی از فناوری (The Question Concerning Technology) مارتین هایدگر (Martin Heidegger) آمده است. هایدگر توضیح می دهد که فناوری ها و وسایلی برای پایان کار هستند به شرطی که شناختی درست از آنها به دست آوریم. وی می گوید: کاربران فناوری باید از این حقیقت آگاه شوند که فناوری، علمی نوین ایجاد می کند و راه هایی جدید برای اندیشیدن و در پی آن نزدیک تر شدن به حقیقت به همراه دارد. به هر حال، واقعیت ظاهر نمی شود مگر اینکه اندیشه های خود را از قالب بندی های معمول خارج کنیم (هایدگر، ۱۹۷۷).

مثلاً بارها فناوری هایی مفید برای رفع نیاز و کارایی بیشتر ایجاد شدند ولی کاربران به خاطر وجود آنها در ورطه تکرار غرق شدند و از درگیر شدن با مسائل اجتناب ورزیدند؛ یعنی مجبور شدند همچون ماشینی مکانیکی به



فناوری جدید بله بگویند. طبق این روند، بازده فناوری علت و کاربران معلول آن شدند. در صورتی که از نظر هایدگر همان طور که فناوری پیشرفت می کند مانیز ناخود آگاه به سمت آن حرکت می کنیم و جامعه بشری به منبعی استفاده شده و در دسترس بدل می گردد.

او می گوید: مامی توانیم از فناوری برای رسیدن به مقاصد خود با ساختن محیطی باز و واقعی استفاده کنیم. (هایدگر، ۱۹۷۷) در حالی که جی. هابرماس (J. Habermas) در سال ۱۹۷۰ عقیده داشت که فناوری باید محدود شود. هایدگر معتقد است اگر بشر به دنبال فناوری آزاد حرکت کند در کشف حقیقت های پنهان سهیم می شود. در این چرخه، بشر از تمامی مواهب و امکاناتی که تقدیر برایش مهیا کرده است استفاده می کند. می بیند و می شنود و در نتیجه به موجودی بی اراده، که تنها تابع شرایط است و از هر چیزی بی چون و چرا استفاده می کند، تبدیل نمی شود.

هایدگر همه رابه سمت محافظت از هستی و ماهیت فناوری یعنی آشکار سازی حقایق فرامی خواند و می گوید که این نتایج تنها با پرورش علم و آگاهی در جهت مثبت قابل اجراست. البته گوهر و اصل فناوری تنها آشکار سازی حقیقت نیست بلکه تداوم کشف حقیقت های نهان بدون افتادن در دام موقعیت های پیشین و ساکن است. پس جست و جو برای حقیقت علت و فناوری معلول آن است.

طبق نظریه هایدگر نقش در خور فناوری در جامعه از مسائل متداولی همچون بهتر بودن هنر یا علم و... با اهمیت تر است. محیط های خود آگاه، از فناوری برای درک بهتر نیاز های جوامع و ادامه مسیر علم یابی استفاده می کنند. به نظر هایدگر واژه Technology از واژه یونانی Techno می آید که نزد یونانیان باستان کاربرد داشته است و در اصطلاح به معنی «حقیقت در زیبایی» و «هنر نجات حقیقت» است. با این حال هایدگر در مورد تهدید ناشی از میل تسلط یابی و خودمحموری، با سوء استفاده از فناوری، که در اثر لغزش از اصول انسانی ایجاد می شود، هشدار داده است.

سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و حکومت های مردمی

سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) یکی از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی پر استفاده و پرسود در حکومت ها هستند و تبدیل به ابزار استاندارد برای مرتب کردن، ذخیره و تفسیر اطلاعات شده اند. نزدیک به ۸۰ هزار نمایندگی محلی در حکومت های مختلف از GIS استفاده می کنند و دولت فدرال توجه ویژه ای به انتشار و توزیع مناسب GIS دارد. GIS در حکم روشی برای یکی کردن نقشه های مختلف و گردآوری تمامی اطلاعات موجود در نقشه ها، استفاده فراوانی دارد. هنگامی که تکه هایی از نقشه یک منطقه به وسیله چیدن از بزرگ به کوچک با هم ترکیب می شوند، نتایجی جدید و غیر قابل پیش بینی ظاهر می شود. به وسیله ترسیم اطلاعات در سراسر نقشه، GIS به ابزاری قدرتمند در خدمت آزاتس های عمومی برای اقدامات سیاسی مقتضی بدل می شود. برخلاف فناوری های دیگر که برای تحلیل یا توزیع اطلاعات به کار می روند GIS به اطلاعات واقعی زندگی اجازه می دهد تا در نمایشگر رایانه ظاهر شود و اطلاعات بصری بسیار فراوانی را برای درک بهتر ارائه کند. به راستی که GIS سریع ترین فناوری است که برای پیشرفت خدمات عمومی به کار می رود.

با توجه به رشد روز افزون و افزایش تقاضا برای GIS هنوز این پرسش باقی است که آیا GIS به سلاح یا ابزاری در جوامع پیشرفته تبدیل می شود یا خیر. دسترسی به GIS از یک دسترسی ساده به اطلاعات فراتر است و راهی برای رسیدن به اطلاعات ارزشمند درباره فعالیت ها و دارایی های مختلف است. یک جدول بندی ساده از نقشه ها، مالکان زمین ها را مشخص می کند که این به ظاهر بی ضرر است ولی به هر حال وقتی این اطلاعات با یافته های دیگر ترکیب و بررسی می شوند، اطلاعاتی مرتبط و ارزشمند درباره هر فرد و مقاصد ابتدایی افراد برای کارهای بزرگ را آشکار می سازد. اگر چه GIS فرصتی برای سوء استفاده و حمله به حریم شخصی افراد را هم مهیا می کند ولی منافع آن بسیار بیشتر از زیان های آن است ولی باز هم این پرسش مهم مطرح است که چه کسی مسئول پی آمدهای استفاده های نادرست و غیر اخلاقی از این فناوری است.

سیستم های اطلاعات جغرافیایی و اخلاق

موضوع رابطه اخلاق و سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) یکی از مهم ترین بحث ها در دانشگاه ها و مراکز علمی است. اغلب این بحث ها بر استفاده نامناسب از فناوری GIS تأکید می کنند که خود این ناشی از نبودن رقابت سالم یا محدودیت های آشکار دانش مادر درباره GIS است. به هر حال قسمت عمده کاربرد GIS که آن را در حکم یکی از فنون برتر معرفی می کند و لزوم نیاز به درک بیشتر و وسیع تر از آن را تأکید می کند در جوامع عمومی است. سازمان هایی که از GIS سود می برند آشکارا تمایل فراوانی به تأکید بیش از اندازه بر رابطه میان اخلاق و GIS دارند، چون آنها در انتظار عمومی هستند و فناوری کاربردی آنها که همان GIS است بسیار ملموس و آشکار است. از این رو امروزه اغلب اطلاعات GIS با سنسورهای قانونی ولی غیر اخلاقی دستکاری می شوند. با توجه به خطا پذیر بودن تصمیم گیرندگان حکومتی، منابع متعدد قانون گیر ولی از نظر اخلاقی خوب با GIS قابل شناسایی هستند.